

به نام خدایی که در این نزدیکی است ...

تقدیم به عمه‌ام که به خاطر خطاهای من فحش‌ها شنید!

من از نهایت شب حرف می‌زنم

من از نهایت تاریکی

و از نهایت شب حرف می‌زنم

اگر به خانهٔ من آمدی برای من ای مهربان چراغ بیاور

و یک دریچه که از آن به ازدحام کوچهٔ خوشبخت بنگرم
«فروغ»

خبرخوان: آقای عبدالحمّدی کتابی که تألیف کرده‌ای به درد کیا می‌خوره؟

من: به نام خدایی که در این نزدیکی است؛ با سلام و درود خدمت همهٔ بزرگان از حضرتِ آدم گرفته تا آخرین نفری که در کرةٔ زمین زنده خواهد بود؛ البته من کوچک‌تر از آنی هستم که بخواهم جوابِ سؤالاتِ شخصِ شخیصی همچون شما را بدهم، اما حسب‌الامر خانم مختار که مرا به نوشتنِ مقدمهٔ دلالت فرمودند، می‌گویم: این کتاب برای همهٔ دانش‌آموزان نظام جدید در پایه‌های دهم، یازدهم و دوازدهم و داوطلبان کنکور سراسری و آزمون‌های المپیاد و هر آزمون دیگری که هر معلّمی در هر جای کرهٔ خاکی صلاح بداند، مفید و لازم است.

خبرخوان: آقای محترم! میشه سؤالات را کوتاه جواب بدهید؟

من: خیر! چون سؤال بعدی شما، جواب طولانی خواهد داشت 😊

خبرخوان: با تشکر؛ بفرمایید محتوای این کتاب و فصل‌های آن را برای بینندگان، شنودگان، خوانندگان، رانندگان و این‌ها توضیح دهید.

من: کتاب لغت و املاي نظام جدید آنقدر مفصل و کامل است که خودِ فردوسی هم اگر بود این کتاب را از منابع معتبرِ کنکور غیرسراسری توس اعلام می‌کرد.

خبرخوان: جانِ مادران حاشیه نروید؛ به قولِ خودتان یا خودشان:

«الا یا ایّها الطّلاب ناشی علیکم بالمُتون لا بالحوّاشی»

من: چشم! شما کمی استراحت کن، من جواب این سؤال را بدهم؛ این کتاب بخش‌های متنوع، متعدّد، متکثر، متلاکّی و متشعّعی دارد:

α ← **دو کلمه حرف حساب:** که در آن نحوهٔ برخورد با تست‌های لغت و املا و تکنیک‌ها و راهکارهای کلی را بیان کرده‌ام و به چند سؤال رایجِ بچه‌هایِ جان، پاسخ داده‌ام.

β ← لغت و املاي درس به درس: اين فصل مفصل‌ترين فصلِ كتاب است كه تمام لغاتِ

معنى شده در واژه‌نامه (كنار كلماتي كه در واژه‌نامه معنى شده، ستاره‌اي گذاشته‌ام و در ابتداي هر درس آورده‌ام) و معنى نشده و گروه كلماتِ مهمّ املايي را (به همراه جاي خالي براي تمرين و تكرر املا) به صورت درس به درس معكوس - يعنى از دوازدهم سپس يازدهم و آن‌گاه دهم - آورده‌ام؛

خُرزوخان: تست درس به درس هم دارد؟

من: اگر دندان روي جگر مي‌گذاشتي، داشتيم همين را توضيح مي‌دادم كه بعد از هر كتاب، تستِ درس به درس لغت و املاي مربوط به همان كتاب را قرار داده‌ام.

خُرزوخان: اصلاً من تا پايان جوابِ اين سؤال در افق محو مي‌شوم.

من: بشو! و اما بعد ...

γ ← تشابهات املايي و معنابي: مگر مي‌شود كتاب املا و لغت، فصل تشابهات نداشته باشد؛

اين تشابهات، هدفمند و سازگار و در راستاي مطالبِ كتاب‌هاي نظام جديد آموزشي هستند.

δ ← زنجيره‌هاي املايي: اين فصل را خيلي دوست دارم؛ يك لغت را به عنوان سرگروه قرار داده‌ام

و هر آن چيزي كه اين لغت، به ذهن مي‌رساند، از نظر املايي و معنابي، بي‌دربي آورده‌ام؛ فكر كنم بچه‌ها، خيلي چيزها اينجا (يعنى آنجا) بياموزند!

ε ← صد بيت و صد متن املايي: هر چقدر هم كه كلمات و گروه‌ها را بلد باشيم، باز هم در

مواجهه با متن است كه بايد بتوانيم املاي درست را

تشخيص بدهيم؛ اين فصل براي آبديده شدن است و

تمرين بسيار كارآ و مؤثري است، پس: DO IT

خُرزوخان: ببخشيد! استادين احترامتون واجب، از حروف الفبائي يوناني استفاده كردين، چيزي

نگفتم، حالا كارتون به جايي رسيده كه در كتاب لغت و املاي فارسي از جمله انگليسي

استفاده مي‌كنيد! اي واي بر ما! جاي دايي جان ناپلئون خالي!

من: خرزو جان! اگر مي‌خواهي فارسي حرف بزني، حداقل بگو پارسي نه فارسي كه خودش واژه عربي است!

خُرزوخان: عبدالجان من اشتباه كردم! جان مادرت توضيح بده، كار دارم بايد شيفت بعدازظهر

برم اسنپ؛ مي‌دوني كه با حقوق خبرنگاري نمي‌شه از پس هزينه‌ها براومد!

من: برو بريم ...

θ ← دسته‌بندی‌ها: این فصل خیلی باحاله؛ کل کتابای دوازدهم (یا همون فارسی ۳)، یازدهم (یا همون فارسی ۲) و دهم (یا همون فارسی ۱) را آنقدر اینور اونور کردم تا کلی دسته‌بندی جالب درست کنم که بچه‌ها خیالشون راحت باشه. مثلاً حیواناتی که در کتاب هست، مکان‌ها، زمان‌ها، چیزهای مربوط به بگش‌بگش و جنگ، امور موسیقی - البته مجازش - تازه به طور خودجوش، عکس سازها رو هم سانسور کردم، مجموعه متضادها و جمع‌های مکسر و لباس‌ها و گل و گیاهان و اینا و ...

خرزروخان: جناب استاد علیرضا! اولاً که ترتیب حروف الفبای یونانی را بلد نیستی؛ بعد از E که θ نیست؛ دوّم - ببخشید ثانیاً! - دمتون گرم، پس کتاب پر و پیمون و کاملیه؟
من: آره ولی تو رو خدا اینجا تملّق و پاچه‌خواری یا پاچه‌خاری ☺ رو بذار کنار؛ دارم فصل‌های کتاب رو توضیح می‌دم!

λ ← تست کلی: این فصل، هم تست کلی لغت و املاي کتاب به کتاب داره و هم، یک قسمت خیلی خیلی ویژه و اونم تست کلی املا با تیپ‌بندی‌های مختلف؛ دقیقاً شش تیپ تست املا را آورده‌ام و در ابتدای هر کدام، نحوه برخورد با آن را توضیح داده‌ام.
خرزروخان: دم شما گرم؛ این تست‌ها و کلاً این کتاب پاسخنما تشریحی هم داره؟
من: پَ نَ پَ!

μ ← پاسخنما تشریحی: توضیح و تشریح و پاسخ تمام تست‌های کتاب - مین الی الختم - در انتهای کتاب آمده است!

خرزروخان: آیا بچه‌ها می‌توانند وقتی معنی واژه‌ها و املاي یک درس را خواندند سریع به سراغ تست‌های آن بروند؟

من: خرزو جان سؤالت جالب و بجا بود؛ نه! نمی‌توانند؛ اساساً در بحث‌های حفظی نباید بدون فاصله زمانی، سراغ تست رفت؛ چرا که مطلب در حافظه کوتاه مدّت است و هنوز ماندگار نشده و در آن لحظه بچه‌ها جواب سؤال را درست می‌دهند و بعد فراموش می‌کنند! توصیه می‌کنم حتماً یک فاصله حداقل چند ساعته قرار دهند.

خرزروخان: اساساً بچه‌ها با چه ترتیبی از کتاب استفاده کنند؟
من: براساس برنامه درسی و محتوای آزمون‌هایی که می‌دهند به سرفصل مربوط مراجعه کنند؛ البته فصل‌هایی مثل تشابهات، زنجیره‌ها، دسته‌بندی‌ها، صد بیت و صد متن و املاهای کلی، فرا سرفصلی هستند و طبق یک برنامه تعیین شده از آن‌ها بهره ببرند.

خُرزوخان: در پایان از مسئولین تشکر داری؟

من: بله! اولاً از تمام مسئولین خصوصاً تیم اقتصادی کشور که قیمت کاغذ را مدیریت نموده و ...
خُرزوخان: بابا عدیل جان دلت پُره‌ها! منظورم کسانی از انتشارات الگو که دوست داری اسمشون رو بیاری بود.

من: آهان! اول از همه، محمدحسین خان متولی

دوم از همه، سکینه خانم مختار

سوم از همه، بچه‌های گروه تاپ و ویراستاری: مهرناز قجری، راضیه صالحی و ...

چهارم از همه، زهرا خانم فیض به خاطر طراحی‌های داخل کتاب

پنجم از همه، نعیم جان تدین که هنرش داره جهانی میشه و زحمت جلد رو کشید، اونم چه جلدی!

ششم از همه، دوتا داداش خندان بامحبت: حمید و مرتضی اونم از نوع فخری

هفتم از همه، بچه‌های پایین که پر از انرژی و روحیه‌اند؛ مهدی و امید و یوسف و مهرداد و رضا

خُرزوخان: استاد عبدالمحمّدی بچه‌ها اگه از این کتاب سؤال داشتن، کجا ازتون بپرسند؟

من: خرزو جان! انقدر استادانگوا! استاد یعنی دکتر شفیعی کدکنی، استاد یعنی دکتر فرهاد طهماسبی،

استاد یعنی دکتر سیروس شمیسا، استاد یعنی تمام معلمین و دبیرانی که بی‌چشم‌داشت، در

محروم‌ترین مناطق این سرزمین پررنج، برای گسترش ادب فارسی می‌کوشند.

خُرزوخان: غلط کردم ببخشید! علیرضا جان، جواب سؤال رو بده؛ بچه‌ها کجا سؤالاشون رو ازت بپرسن؟

من: تو کانال‌های تلگرام و پیج اینستاگرام به این آدرس‌ها:

📍 [olgoo_adabiaat](#)

📍 [azmoon_adabiaat](#)

📍 [alireza_abdolmohamadi](#)

خُرزوخان: اگه کسی، معلّمی، مشاور، دانش‌آموزی و ... نظری درباره کتاب داشت، بهت

بگن خدایی در نظر می‌گیری؟

من: آره! تازه اسمشون رو هم، بابت تشکر و سپاس در مقدمه می‌آرم.

خُرزوخان: با تشکر از شما که وقت خود را در اختیار ما قرار دادین؛ من برم مسافرا منتظران!

من: بدرود و دو صد درود!

خُرزوخان: راستی! یه شعر باحال این آخر بنویس بچه‌ها حال کنن! میشه از ایرج میرزا

بنویسی؟ جان من؟

من: باشه 😊

شعری از ایرج میرزا به خواسته خرزو خان تقدیم به دوستان:

روزی به رهی مرا گذر بود خوااییده به ره، جنابِ خر بود
از خر تو نگو که چون گُهر بود چون صاحبِ دانش و هنر بود
گفتم که جناب! در چه حالی؟ فرمود که وضع باشد عالی
گفتم که بیا خری رها کن آدم شو و بعد از این صفا کن
گفتا که برو مرا رها کن زخمِ تنِ خویش را دوا کن
نه ظلم به دیگری نمودیم نه اهل ریا و مکر بودیم
راضی چو به رزقِ خویش بودیم از سفرهٔ کس نان نربودیم
دیدى تو خرى گُشد خرى را؟ یا آنکه بُرد ز تن سرى را؟
دیدى تو خرى که کم فروشد؟ یا بهرِ فریبِ خلق، کوشد؟
دیدى تو خرى که رشوه‌خوار است؟ یا برِ خرِ دیگری سوار است؟
دیدى تو خرى شکسته پیمان؟ یا آنکه ز دیگری بُرد نان؟
دیدم سخنش همه متین است فرمایش او همه یقین است
گفتم که ز آدمی سرى تو هر چند به دیدِ ما خرى تو
بنشستم و آرزو نمودم بر خالقِ خویش رو نمودم
ای کاش که قانونِ خریّت جارى بشود به آدمیّت

دوستتون دارم

علیرضا عبدالحمّدى

فهرست

فصل صفر: دو کلمه حرف حساب

تکنیک‌های تست لغت و املا ۲

فصل اول: لغت و املاي فارسي ۱۲

درسنامه لغت و املاي فارسي ۱۲ ۶

تست‌های درس به درس فارسي ۱۲ ۷۴

فصل دوم: لغت و املاي فارسي ۱۱

درسنامه لغت و املاي فارسي ۱۱ ۱۰۰

تست‌های درس به درس فارسي ۱۱ ۱۶۲

فصل سوم: لغت و املاي فارسي ۱۰

درسنامه لغت و املاي فارسي ۱۰ ۱۹۴

تست‌های درس به درس فارسي ۱۰ ۲۷۸

فصل چهارم: تشابهات املايي و معنایی

تشابهات املايي ۲۹۶

تشابهات معنایی ۳۱۹

فصل پنجم: زنجیره‌های املايي

زنجیره‌های املايي ۳۲۴

فصل ششم: صد بیت املايي خارج کتاب

صد بیت املايي خارج کتاب ۳۳۸

پاسخ صد بیت املايي خارج کتاب ۳۴۷

فصل هفتم: صد متن املايي خارج کتاب

صد متن املايي خارج کتاب ۳۵۰

پاسخ صد متن املايي خارج کتاب ۳۵۹

فصل هشتم: دسته‌بندی‌ها

جک و جانور جات ۳۶۲

جنگی جات ۳۶۴

گیاه و سبزیجات ۳۶۶

قماش و لباس جات ۳۶۷

عرفانی جات ۳۶۸

مکان جات ۳۶۹

متضادات ۳۷۱

جمع مکسرجات ۳۷۲

خدای‌نامه ۳۷۴

زمان جات ۳۷۵

پول جات ۳۷۵

موسیقی جات ۳۷۶

ظروف جات ۳۷۶

فصل نهم: تست‌های کلی فارسي ۱۲، ۱۱ و ۱۰

تست‌های کلی فارسي ۱۲ ۳۷۸

تست‌های کلی فارسي ۱۱ ۳۸۲

تست‌های کلی فارسي ۱۰ ۳۹۰

فصل دهم: تست کلی املا

تیپ A ۳۹۸

تیپ B ۴۰۷

تیپ C ۴۲۲

تیپ D ۴۳۵

تیپ E ۴۵۹

تیپ F ۴۶۱

فصل یازدهم: پاسخ‌های تشریحی

پاسخ تشریحی تست‌های درس به درس ۴۶۴

پاسخ تشریحی تست‌های کلی فارسي ۱۲، ۱۱ و ۱۰ ۴۸۴

پاسخ تشریحی تست‌های کلی املا ۴۹۲

کنکور سراسری ۱۴۰۰ ۵۰۸



دو کلمه حرف حساب

تکنیک های تست لغت و املا

تکنیک‌های تست لغت و املا

سؤال ۱ در تست لغت به چه چیزهایی توجه کنیم؟

مفرد و جمع بودن واژه: اگر واژه مفردی جمع معنی شود و یا برعکس غلط است.

مثلاً: «بنان» یعنی «انگشت» نه انگشتان!

اسم و صفت بودن واژه: اگر واژه‌ای که صفت است اسم معنی شود یا برعکس غلط است.

مثلاً «اکراه» یعنی «ناخوشایند بودن» که اسم است. اگر آن را «ناخوشایند»، که صفت است، معنی کنیم، غلط است.

اگر کلمه A معنی B بدهد و کلمه B معنی C بدهد، الزاماً کلمه A معنی C نمی‌دهد.

مثلاً «هویدا: روشن» و «روشن: خاموش نبودن» ولی هویدا معنی خاموش نبودن نمی‌دهد.

اگر کلمات A و B معنی C بدهند الزاماً A و B هم معنی نیستند.

مثلاً «معهود: شناخته شده» و «مشهور: شناخته شده» اما «معهود» و «مشهور» هم معنی نیستند.

در تست لغت منبع اصلی واژه‌نامه خود کتاب‌های درسی است اما از لغات معنی نشده در واژه‌نامه هم بارها سؤال طرح شده است. پس فقط واژه‌نامه را نخوانید و پس از خواندن آن، بر لغات غیر واژه‌نامه‌ای مسلط شوید.

در خواندن واژه‌نامه کتاب درسی اگر کلمه‌ای چند معنی داد، تمام معانی آن را بخوانید نه فقط معنی اول! اگر کلمه‌ای دارای توضیحات مفصل است باید کلمه به کلمه تا آخر حفظ باشید (متأسفانه).

در معنی کلمه اگر معنی کلی بدون توضیح آورده شود هم درست است ولی اگر توضیح همراهش باشد، حتماً باید آن توضیح هم درست باشد.

مثلاً «کرنند: اسبی که رنگ آن میان زرد و بور باشد» اگر در تستی بگوید «کرنند: اسب» صحیح است اما اگر بگوید «کرنند: اسبی که به رنگ سرخ تیره باشد» غلط است.

اگر در معنای کلمه‌ای در واژه‌نامه آمده باشد A: مجازاً B یا A: کنایه از B اگر در تستی بگوید A: B نباید سریعاً آن را درست یا غلط بگیریم و این مورد را با توجه به سایر اطلاعات سؤال باید حل کنیم. گرچه در کنکور نظام قدیم موردی داشتیم که خود کنکور این حالت را درست گرفته بود.

مثلاً: «وادی: مجازاً بیابان» اگر در تستی بگوید «وادی: بیابان» با توجه به سایر اطلاعات سؤال و واژه‌های موجود، درست یا غلط بودن را تعیین می‌کنیم.



برعکس معنی، از موارد طرح تست می‌تواند باشد. یعنی اگر در کتاب آمده است $B : A$ می‌تواند $A : B$ را بپرسد. گرچه این نکته ساده به نظر می‌رسد اما اگر به واژه‌نامه کتاب درسی مراجعه کنید و برعکس معنی را از خود سؤال کنید می‌بینید که چندان هم ساده نیست!

سؤال ۲ در تست املا به چه چیزهایی توجه کنیم؟

بدیهی است هر واژه‌ای ارزش املائی ندارد و در تست‌ها همه کلمات را بررسی نمی‌کنیم؛ مهم‌ترین کلمات املائی آن‌هایی هستند که دارای حرفی از این شش گروه می‌باشند: (ع-ع)، (ت-ط)، (س-ص-ث)، (ح-ه)، (ز-ذ-ض-ظ) و (ق-غ) مورد دیگری که حتماً بررسی کنید «الف» موجود در فعل‌هاست که گاهی زاید است. مثلاً «ب + انداخت» باینداخت» اگر به صورت «بیانداخت» نوشته شود غلط است. کافی است به چیزی که نوشته‌ایم توجه کنیم و آن را بخوانیم. زاید بودن یا نبودنش به راحتی مشخص می‌شود. در حقیقت «ا» حذف شده و «ی» میانجی به جای آن آمده است. البته بدیهی است هر جا «الف» در فعل می‌بینیم غلط به حساب نمی‌آید: «بایست» درست است.

به «ه» در بعضی کلمات که واج میانجی «گ» به جای آن آمده است دقت کنید. مثلاً: «آسوده + ی ← آسودگی» نه آسوده‌گی!

سؤال ۳ در تست املا به چه چیزهایی توجه نکنیم؟

سرکج (پراکنده - پراکنده)
سر هم و جدای معمولی (دل‌داده - دل‌داده)
نقطه
دندان
تشدید (مگر در مواردی که تأکید بر غلط رسم‌خطی دارد یا به ویرایش فنی اشاره شده است یا مستقیماً از خود تشدید سؤال شده)
«ع» و «ی» به جای هم (آئینه - آینه)

سؤال ۴ تفاوت املا و رسم‌خط چیست؟

غلط‌های رسم‌خطی عموماً ناظر بر «الف» زاید موجود در بعضی فعل‌ها (مثل بیافکند)، تشدید و موارد ریز این‌چنینی است.
اگرچه «الف» زاید موجود در بعضی فعل‌ها، غلط املائی هم محسوب می‌شود و در تست‌ها دقیقاً خط مرز مشخصی بین این دو نمی‌توان قائل شد.
توصیه می‌کنم اگر در صورت سؤالی به رسم‌خط اشاره شده بود عملاً خود سؤال به نوعی راهنمایی می‌کند که به «الف» فعل یا ... توجه کنید.

سؤال ۵

آیا تست املا را می‌توان با تکنیکی در زمان کوتاه حل کرد؟

در نوعی از تست‌های املا (نوع A در این کتاب) که متنی را در صورت سؤال داریم و واژه‌هایی در گزینه‌ها می‌توان از تکنیکی که آن را «E-method» نامیده‌ام بهره گرفت. این تکنیک بسیار ساده و راهگشاست و گاهی باعث کاهش زمان خیره‌کننده‌ای می‌شود؛ بدین صورت که بدون توجه به متن سؤال مستقیماً سراغ گزینه‌ها می‌رویم و در مورد کلمات تک‌املایی (کلماتی که تشابه املائی ندارند) تصمیم می‌گیریم، گاهی با این تکنیک دو یا حتی سه گزینه حذف می‌شوند. این تکنیک را با مثالی از کنکور سراسری توضیح می‌دهم:

سراسری - ۹۳

تست ۱: در متن زیر، املاي کدام واژه نادرست است؟

«درویشی و فقر، اصل بلاها و زایل‌کنندهٔ زور و حمیت و مجمع شرّ و آفت است. عبارتی که توانگری را مدح است، درویشی را مذمت است. درویش اگر سخاوت ورزد به افراط و زیاده‌روی منسوب شود و اگر در اظهار حلم کوشد، آن را ضعف شمرند و اگر فساحت نماید، بسیار گوی باشد.»

(۱) منسوب (۲) فساحت (۳) حمیت (۴) مذمت

پاسخ: با نگاهی به گزینه‌ها و بدون توجه به متن سؤال، پاسخ، که گزینهٔ (۲) است، به دست می‌آید چرا که «فساحت» در معنای متعارف خود، تک‌املایی است!

سؤال ۶ تکنیک قرینه‌یابی چیست؟

فرض کنید شما با تلاش فراوان! جدول تشابهات املائی را در حدّ خفنی! بلدید. مثلاً می‌دانید «صواب و ثواب» چه معانی دارند. حال در متن املائی (خصوصاً متن‌های شمارشی) از کجا باید فهمید که کدام این‌ها درست‌اند؛ شاید بگویید خُب مشخص است: «از راه معنی کردن متن»؛ اما کمی که در املا جلو بروید متوجه می‌شوید بسیاری از متون املائی دارای معنی پیوسته و مشخص و کاملی نیستند چرا که متن اصلی دست‌کاری و کم و زیاد شده و حتی از جاهای مختلف یک متن دو جمله گاهی بی‌ربط به هم چسبیده است. در این موارد از تکنیک قرینه‌یابی استفاده می‌کنیم. یعنی از حول و حوش همان کلمه استفاده می‌کنیم و از مترادف‌ها، متضادها، زیرمجموعه‌ها و سایر مواردی که در یافتن معنی و املائی درست کلمه به ما کمکی می‌کند استفاده می‌کنیم؛ مثال ساده‌اش این است که شما به راحتی می‌فهمید ترکیب «ثواب و درست» غلط است و «صواب و درست» صحیح است. در این مورد شما از قرینه «درست» بهره برده‌اید. البته این قرینه همیشه به این سادگی نیست و شما با زدن تست، قرینه‌یاب ماهر می‌شوید!



درس ششم

■ نینامه
■ آفتابِ جمالِ حق

- ❖ اشتیاق: میل قلب است به دیدار محبوب؛ در متن درس، کشش روح انسان خداجو در راه شناخت پروردگار و ادراک حقیقت هستی ❖
- ❖ ایدونک: ایدون که؛ ایدون: این چنین ❖
- ❖ بدحالان: کسانی که سیر و سلوک آن‌ها به سوی حق، کند است. ❖
- ❖ بی‌گاه شدن: فرا رسیدن هنگام غروب یا شب ❖
- ❖ پرده: در اصطلاح موسیقی یعنی آهنگ و نغمه‌های مرتّب، حجاب ❖
- ❖ تاب: فروغ، پرتو ❖
- ❖ تریاق: پادزهر، ضدّ زهر ❖
- ❖ حریف: دوست، همدم، همراه ❖
- ❖ برحسب: مطابق، طبق ❖
- ❖ خوش‌حالان: رهروان راه حق که از سیر به سوی حق شادمان‌اند. ❖
- ❖ دستور: اجازه، وزیر ❖
- ❖ دمساز: مونس، همراز، درد آشنا ❖
- ❖ سور: جشن ❖
- ❖ شرحه شرحه: پاره‌پاره؛ شرحه: پاره گوشتی که از درازا بریده باشند. ❖
- ❖ شیون: ناله و ماتم، زاری و فریاد که در مصیبت و محنت برآرند. ❖
- ❖ ظن: گمان، پندار ❖
- ❖ مستغرق: مجذوب، شیفته؛ مستغرق گشتن: حیران و شیفته شدن ❖
- ❖ مستمع: شنونده، گوش‌دارنده ❖
- ❖ مستور: پوشیده، پنهان ❖
- ❖ نفیر: فریاد و زاری به صدای بلند ❖





- نیستان: نی زار، جایی که نی فراوان روییده باشد. ❁
- فراق: دوری، هجران، جدایی ❁
- نیست باد: نابود باد (در مصراع دوم) ❁
- بی‌روزی: بی‌نصیب، درویش، بی‌نوا ❁
- اسلوب: شیوه، گونه، طرز ❁
- فرزانه: دانشمند، حکیم ❁
- کُلَّ شَيْءٍ يَرْجِعُ إِلَىٰ أَصْلِهِ: هر چیزی سرانجام به اصل و ریشه خود بازمی‌گردد. ❁
- تجلی: پدید آمدن، نمایان شدن، هویدایی ❁
- قرب: نزدیکی، نزدیک شدن، متضادِ بُعد ❁
- عرضه دهد: بیان کند. ❁

املا و تکرار

.....	❁ صاحب سخن	❁ حکایت
.....	❁ اسلوب معادله	❁ شرحه شرحه از فراق
.....	❁ استقلال نحوی	❁ اصل و وصل
.....	❁ تأیید مفهوم	❁ جستن اسرار
.....	❁ محرم راز	❁ مستور و پوشیده
.....	❁ بر حسب فکر	❁ زهر و تریاق
.....	❁ ظرفیت وجودی	❁ والسلام
.....	❁ تجلی و قرب	❁ مثنوی معنوی
.....	❁ حق تعالی	❁ شیون و سوز
.....	❁ مستغرق	❁ معکوس
.....	❁ عرضه دادن	❁ مستمع

۳۵

در کدام مورد غلط املائی وجود دارد؟

- (الف) سر کار گذاشتن - بالا غیرتاً - زل زدن - چهار نعل
 (ب) قلب فسرده - دم سطوران - ضربتی چند - اسپر بعثی
 (پ) نحس دیوماند - سپید معجر - محتاج فرومایه - حرج و مرج قلمی
 (ت) گرز و شرزه - شیر ارغند - اثاث تزویر - اختر سعد
 (ث) سلانه سلانه - علف و خار - عرعر خر - عن قریب
 (۱) الف - ب - پ (۲) ب - ت - پ (۳) ت - پ - ث (۴) الف - ث - ت

۳۶

کدام واژه صحیح معنی نشده است؟

- (۱) بگسل: پاره کن، جدا کن، نابود کن
 (۲) پس افکند: پس افکننده، میراث
 (۳) زل زدن: با چشمی ثابت و بی حرکت به چیزی نگاه کردن
 (۴) عامل تخریب: شخصی نظامی که کارش نابود کردن هدف‌های نظامی است.

۳۷

در کدام بیت غلط املائی وجود دارد؟

- (۱) تا درد و ورم فرو نشیند کافور بر آن ظماد کردند
 (۲) بگسل ز پی این اساس تزویر بگسل ز هم این نژاد و پیوند
 (۳) زمین بی‌خردان سفله بستان داد دل مردم خردمند
 (۴) بگرای جو ازدهای گرزه بخروش چو شرزه شیر ارغند

تست‌های درس ۶

۳۸

معنی کلمات: «برحسب، مستغرق، مستمع، تاب» به ترتیب در کدام گزینه صحیح آمده است؟

- (۱) مطابق، غرق شده، گوینده، فروغ
 (۲) برطبق، شیفته، شنونده، گرم
 (۳) طبق، مجذوب، گوش دارنده، پرتو
 (۴) محاسبه، شیفته، شنونده، پرتو

۳۹

معنی واژه از میان واژه‌های زیر نادرست است.

- ایدون که: این چنین / پرده: حجاب / تریاق: زهر / دستور: وزیر / دمساز: دردمند / ظن: پندار / مستور: نوشته شده / سور: جشن / شیون: ماتم
 (۱) دو (۲) سه (۳) چهار (۴) پنج

۴۰

معنای چند واژه در داخل کمانک درست نیامده است؟

- شرح (پاره گوشت از درازا بریده شده)، دستور (راهنمایی)، نفیر (زاری بلند)، بی‌روزی (درویش)، بیگانه (دیر)
 (۱) سه (۲) دو (۳) یک (۴) چهار

۴۱ معنی واژه‌های «تریاق، دستور، بی‌روزی» به ترتیب، در کدام گزینه آمده است؟

- ۱) پادزهر - راه‌نما - ناعاشق
 ۲) زهر - اجازه - درویش
 ۳) ضدزهر - امر - عاقل
 ۴) ضدزهر - وزیر - بی‌نوا

۴۲ معنی واژه «پخته» در بیت زیر، در کدام گزینه تکرار شده است؟

«در نیابد حال پخته هیچ خام پس سخن کوتاه باید، والسّلام»

- ۱) بلک از آن مستان که چون می‌می‌خورند عقل‌های پخته حسرت می‌برند
 ۲) برگ زرد ریش و آن موی سپید بهر عقل پخته می‌آرد نوید
 ۳) زین درخت آن برگ زردش را مبین سیب‌های پخته او را بچین
 ۴) به راه دین عوام‌التّاس عامند ندانی پخته ایشان را که خامند

۴۳ معنی کدام واژه نادرست آمده است؟

- ۱) نی حریف هر که از یاری برید برده‌هایش پرده‌های ما درید (حجاب)
 ۲) هر کسی از ظنّ خود شد یار من از درون من نجست اسرار من (گمان)
 ۳) تن ز جان و جان ز تن مستور نیست لیک کس را دید جان‌دستور نیست (اجبار)
 ۴) چه نیکو گفت با جمشید دستور که با نادان نه شیون باد و نه سور (وزیر)

۴۴ از میان واژگان زیر واژه، نادرست معنی شده است.

«جفت: همراه / مستور: همدم / دستور: وزیر / نفیر: ناله و زاری با صدای آهسته / تریاق: زهر»

- ۱) یک ۲) دو ۳) سه ۴) چهار

۴۵ در کدام گزینه غلط املائی نمی‌بینید؟

- ۱) محرم راز - ظرفیت وجودی - مستمع - استقلال نحوی
 ۲) شرحه شرحه از فراغ - اسلوب معادله - مثنوی معنوی - حق تعالی
 ۳) مستغرق - بر حسب فکر - عرضه دادن - شیون و صور
 ۴) اصل و وصل - مسطور و پوشیده - زهر و تریاق - تأیید مفهوم

۴۶ کدام توضیح ناصواب است؟

- ۱) زاری و فریاد که در مصیبت و محنت بر آرند ← شیون
 ۲) کشش روح انسان خداجو در راه شناخت پروردگار و ادراک حقیقت هستی ← اشتیاق
 ۳) رهروان راه حق که از سیر به سوی حق شادمان‌اند ← خوش‌حالان
 ۴) فریاد و زاری و زیر لب دشنام دادن ← نفیر

۴۷ معنی درست واژه‌های «شرحه، بیگاه، دستور، نفیر» در کدام گزینه آمده است؟

- ۱) پاره گوشت - دیر - اجازه - صدای کوتاه
- ۲) پاره - بی‌موقع - امر - زاری بلند
- ۳) پاره - بی‌موقع - راهنما - صدای بلند
- ۴) پاره گوشت - دیر - وزیر - فریاد بلند

۴۸ معنی واژه‌های زیر به ترتیب در کدام گزینه صحیح آمده است؟

- «ابدونک - مستغرق - اسلوب - تجلی»
- ۱) این چنین که - شیفته - طرز - هویدایی
 - ۲) ایدون که - غرق شده - گونه - نور
 - ۳) این چنین - مجذوب - شیوه - پدید آمدن
 - ۴) چنین - غرق - ساختار - نمایان شدن

تست‌های درس ۷

۴۹ معنی واژه‌های زیر در کدام گزینه تماماً اشتباه آمده است؟

- «سامان - قوت - مُحب - سودا»
- ۱) امکان - رمق - عاشق - خیالی
 - ۲) درخورنده - غذاها - معشوق - دیوانه
 - ۳) میسر - نیرو - یار - خیال
 - ۴) درخور - خوراک - دوست - دیوانگی

۵۰ از میان واژه‌های معنی‌شدهٔ زیر، چند واژه غلط معنی شده است؟

- (ممت: مُردن) - (روحانی: ملکوتی) - (بی‌خودی: بی‌هوشی) - (فرض: ضروری) - (نغمه: ترانه) - (کمال: کامل بودن) - (بزم: ضیافت) - (جمال: زیبا)
- ۱) یک ۲) دو ۳) سه ۴) چهار

۵۱ در میان واژه‌ها و ترکیبات زیر چند مورد غلط املائی وجود دارد؟

- «فرز راه - حیات و ممت - مصطفی - ابتحاج - حریم حُسن - شهاب‌الدین سهروردی - غایت و نهایت - معرفت و محبت - از بحر این معنی - عین‌القضات - منزوی - روحانی و جسمانی»
- ۱) یک ۲) دو ۳) سه ۴) چهار

۵۲ معنی واژه‌های «جسمانی - حُسن - شیدایی - حریم» به ترتیب در کدام گزینه صحیح است؟

- ۱) مادی - نیکویی - پریشانی - دیوار
- ۲) منسوب به جسم - زیبایی - دیوانگی - پیرامون
- ۳) روحانی - زیبایی - عاشقی - گراگرد
- ۴) دنیوی - زیبا - عاشقی - حرم

تشابهات املائی

اساس: پایه | ← بنایی که محکم ندارد، **اساس** / بلندش مکن ور کنی زو هراس
اثاث: وسایل خانه | ← مکن از کس، **اثاث** خانه دریغ



اشباه: مانندها، | ← صد هزاران این چنین **اشباه** بین / فرقتان هفتاد ساله راه، بین
 جمع **شبه**
اشباح: سیاهی‌ها، | ← یا رقص صوفیانه **اشباح** و سایه‌هاست / آدم که در طلسم تماشای هاله‌اند
 جمع **شبح**

شبه: مانند، مثل | ← به **شبه** و شکل تو گر دیگران برون آیند / زمانه نیک شناسد زمرّد از مینا
شبح: سیاهی، سایه | ← آورده را به هم‌ره خود باد برده بود / گویی خیال بود، **شبح** بود، سایه بود



اسیر: گرفتار | ← پادشاهی را شنیدم به کشتن **اسیری** اشارت کرد.
اثیر: کره آتش | ← اثر دوزخ ار نمی‌خواهی / ساکن گنبد **اثیر** مباحث



آجل: آینده | ← گفت راحت اکنون را به تشویش محنت **آجل**، تیره کردن
 خلاف رای خردمند است.
عاجل: حال، عجله‌کننده | ← شربت مرگ از برای عاشقان / صحت کامل، شفای **عاجل** است
اجل: مرگ | ← که فردا چو پیک **اجل** در رسید / به حکم ضرورت، زبان در کشی
اجل: گرامی‌تر | ← شیخ **اجل**، سعدی شیرازی، در قرن هفتم می‌زیست.



ابا: خودداری | ← دوستی گفت عیب من با غیر / من خود از عیب خود **ابا** نکنم
عبا: نوعی لباس | ← این تلخ کام طایفه شنگ و شوربخت / زیر **عبا** گرفته و بر پشت پوست، تخت



آزار: اذیت ← ای زبردستِ زبردست **آزار** / گرم تا کی بماند این بازار؟
آذار: معادلِ ماهِ اوّلِ بهار ← مثالِ قطرهٔ بارانِ ابر **آذاری** / که کرد هر صدفی را به لؤلؤ ای حامل
آزار: شلوار ← ردا و **آزار** از گیا یافته / عمامه به فرق از گیا تافته
عذار: صورت، چهره ← بر گلِ سرخ از نم، اوفتاده لآلی / همچو عرق بر **عذار** شاهدِ غضبان



إصرار: پافشاری ← دلِ من با چه **اصراری** تو را خواست / و می‌دانم چرا خواست
أسرار: جمعِ سِرّ، رازها ← **اسرار** تو پیشِ کس نگویم / اوصاف تو پیشِ کس نخوانم



الفا: آموختن، تلقین کردن ← هر چه خواهد می‌کند در کشورِ دلِ شاهِ عشق /
 عقل را کو زهره‌ای تا حجتی **الفا** کند
الفا: لغو کردن ← و گروهی هنوز قانونِ **الفا**ی بردگی را جدّی نگرفته‌اند.



آلم: درد ← رنج و **آلم** اهلِ عامل، بدان بینهایت است که حرص، ایشان را
 عنان گرفته می‌گرداند.
عَلَم: پرچم ← پیش‌بندِ چرمینِ کاوه، همان **عَلَم** یا بیرق یا درفشِ کاویان شد.
عِلْم: دانش ← کس نیاموخت **عِلْم** تیر از من / که مرا عاقبتِ نشانه نکرده
عَمَل: کار، مفردِ اعمال ← علم چندان که بیشتر خوانی / چون **عَمَل** در تو نیست، نادانی
أَمَل: آرزو، مفردِ آمال ← چندین **اَمَل** چه پیشِ نهی، مرگ در قفا؟
تَأَلَّم: دردمندی ← لیکن، نیاز، اصل **تَأَلَّم** هاست.
تَعَلَّمَ: آموختن ← عقل، چون از علم کامل می‌شود / وز **تَعَلَّمَ**، علم حاصل می‌شود
تَأَمَّل: تفکر، درنگ، تدبّر ← کارها را پیش از **تَأَمَّل** و تدبّر آغاز نکند.
تَعَمَّل: عمل کردن، ← بجای مدام حرف زدن باید اهلِ کار و زحمت و **تَعَمَّل** بود.
 رنج بردن در کار، کوشش کردن





زنجیره های املایی

زنجیره‌های املائی

اشباح
(سیاهی‌ها)

شیخ
(سیاهی)

شبه
(مانند)

مشتبه
(اشتباه‌کننده)

شبهات

تشبیه

اشباه
(هماندها)

تحدیر
(دور داشتن)

احتراز
(دوری)

احراز
(به دست آوردن)

اهتزاز
(برافراشتن)

حذر
(دوری)

حضر
(ساکن بودن)

حضور

محضر

سفر

احتضار
(رو به مرگ بودن)

محذور
(محدور، مانع)

محظوظ
(بهره‌ور)



صدیق املائی
خارج کتاب

در عبارات زیر با توجه به معنا و ریشه کلمات و دانش
املائی، خود صورت درست املائی را برگزینید.

۱. ملک پرسید چه می‌گوید؟ یکی از وزرای ----- نیک محضر گفت: ملک رحمت آورد.
نیک محظر
۲. دیگر برادران بلند و خوب‌روی، پدر به کراهت و ----- استهقار در او نظر می‌کرد.
استحقار
۳. رعیت از مکاید ایشان مرعوب و لشکر سلطان ----- مغلوب بودند.
مقلوب
۴. سرهنگ‌زاده‌ای بر در سرای دیدم که عقل و کیاست فهم و ----- فراصتی زایدالوصف داشت.
فراستی
۵. و علما را به گمراهی ----- منصوب کردن از فواید علم محروم ماندن است.
منسوب
۶. پرسید موجب ----- خصمی اینان در حق تو چیست؟ گفت: همه را راضی کردم مگر حسود.
خسمی
۷. از بزرگی جور و ستمش راه ----- قربت گرفتند و ارتفاع ولایت نقصان پذیرفت.
غربت
۸. درویشی را دیدم سر بر آستان کعبه همی‌مالید که یا غفور و یا رحیم تو دانی که از
ظلوم و جهول چه آید؟
ضلوم
۹. تنی چند از روندگان متفق سیاحت بودند و شریک رنج و راحت ----- خاستم تا مرافقت کنم.
خواستم
۱۰. چون به نماز برخاستند بیش از آن کرد که عادت او بود تا ----- زن صلاحیت در حق او
ظن

زیادت کنند.



دستبندی ما

جگ و جانور جات

ابرش اسبی که دارای پوست خال‌دار یا رنگ به رنگ (به ویژه سرخ و سفید) است، مطلق اسب

افسار تسمه و ریسمانی که به سر و گردن اسب و الاغ و ... می‌بندند.

بارگی اسب

باره اسب

تازی اسبی از نژاد عربی با گردن کشیده و پاهای باریک

توسن اسب سرکش

جال دام و تور

جراره ویژگی نوعی عقرب زرد بسیار سمّی که دُمش روی زمین کشیده می‌شود.

دد جانور درنده مانند شیر و پلنگ و گرگ

رکاب حلقه‌ای فلزی که در دو طرف زین اسب آویخته می‌شود و سوار پا در آن می‌گذارد.

ستوران جمع ستور، حیوانات چهارپا خاصه اسب و استر و خر

سرگین فضله برخی چهارپایان مانند اسب و ...

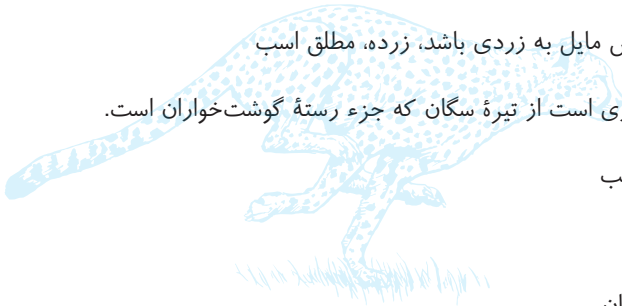
سمند اسبی که رنگش مایل به زردی باشد، زرده، مطلق اسب

شغال جانور پستانداری است از تیره سگان که جزء رسته گوشت‌خواران است.

شیهه صدا و آواز اسب

عنان افسار، دهنه

عندلیب بلبل، هزارستان







تست‌های کتبی فارسی ۱۲

۴۳۲ «صاحب جمال، پسندیده، برتر، رواق» به ترتیب، معانی کدام واژه‌هاست؟ ریاضی ۹۸ - نظام جدید

- (۱) وسیم، قداست، فراسو، طَبَق
(۲) قسیم، صواب، ماورا، طاق
(۳) جسیم، صواب، فایق، محراب
(۴) نسیم، صفوت، ماسوا، بخش قوسی هر چیز

۴۳۳ معانی واژه‌ها که در مقابل آن‌ها آمده است «همگی» درست است؛ به جز: تجربی ۹۸ - نظام جدید

- (۱) (مقاله: گفتار) (جُل: پوشش)
(۲) (لطیفه: گفتار نغز) (گرم‌رو: کوشا)
(۳) (کفایت: بسنده) (عماد: تکیه‌گاه)
(۴) (دستاورد: پیامد) (تنیده: درهم بافتن)

۴۳۴ معنی مقابل کدام واژه، کاملاً درست است؟ انسانی ۹۸ - نظام جدید

- (۱) ولیمه: طعامی که در مهمانی و عروسی می‌دهند.
(۲) پویدن: حرکت و جست‌وخیز برای مقصد نامعلوم
(۳) درهم: واحد پول طلا که ارزش آن بیش از دینار بوده است.
(۴) دینار: واحد پول و سکه نقره که در گذشته رواج داشته است.

۴۳۵ واژه‌های کدام گزینه، در معانی «قهرآلود، نقشه، روش، حرارت» است؟ زبان ۹۸ - نظام جدید

- (۱) شرز، محضر، مسلک، سودا
(۲) گرز، انگاره، نَمَط، سودا
(۳) ارغند، انگاره، نَمَط، تپش
(۴) ارغند، آوند، مسلک، تپش

۴۳۶ معنی مقابل چند واژه نادرست است؟ هنر ۹۸ - نظام جدید

- (معجر: روسری) (فاحش: واضح) (حمایل: نگه‌دارنده) (خستن: مجروح) (هریوه: ترسناک)
(آزگار: کامل) (تعب: سرزنش) (روایی: رونق داشتن) (محظوظ: پست شده)
(۱) دو (۲) سه (۳) چهار (۴) پنج

۴۳۷ معنی واژه‌های «آخته، معوج، سنجیه، شگرف»، به ترتیب، کدام است؟ خارج ۹۸ - نظام جدید

- (۱) برکشیده، کج، عادت، نیرومند
(۲) کشیده، ناراست، خصلت‌ها، عظیم
(۳) بیرون آمده، نادرست، خوی‌ها، توانا (۴) تیز و بَرّان، انحراف، عادت، قوی

۴۳۸ معنی چند واژه در مقابل آن صحیح آمده است؟

- (مشایعت: استقبال) (پگاه: شامگاه) (انگاره: نقشه) (ماسیدن: به ثمر رسیدن) (معجر: آتشدان) (شهد فایق: عسل خالص) (اکراه: ناخوشایند بودن) (صنعت: کار) (حلیه: مکر)
(۱) شش (۲) پنج (۳) چهار (۴) سه

۴۳۹ در کدام گزینه هیچ غلط املایی وجود ندارد؟

- ۱) عصارهٔ تاک - مین‌گزارى - محبّ و حبيب - سرشک
- ۲) مضاف‌الیه - فراز برج - مواحب خداداد - بساط تهویه
- ۳) حزين ترين لحن - ارتقاء ولايت - غدر ناجوان‌مردان - غو و فرياد
- ۴) ذلّه شدن - تاي بي‌همتا - صلوات - ادا و اطوار

۴۴۰ معنی واژه‌های «اعراض - تپش - موبد - شگرف - نشئه» در کدام گزینه کاملاً درست آمده است؟

- ۱) روى گردانى - زندگى - مشاور - عجيب - كيفورى
- ۲) انصراف - حرارت - روحانى زرتشتى - نيرومند - سرمستى
- ۳) روى گردان از چيزى - اضطراب - روحانى - نيرومند - خمارى
- ۴) روى گردان از چيزى - اضطراب ناشى از گرمى - روحانى مسيحى - قوى - سرخوشى

۴۴۱ در مقابل چند لغت، معنی آن صحیح نوشته نشده است؟

- ۱) وخامت: بدفرجامی (معلق: آویخته‌شده) (کی: پادشاه) (سرپر زدن: توقف طولانی)
- ۲) کله‌خود: کلاه فلزی جنگی (واعظ: پنددهندگان) (قسیم: صاحب جمال) (سرور: خوشحال)
- ۳) تقصیر: کوتاهی (جلال: شکوه)

۱) چهار (۲) سه (۳) دو (۴) یک

۴۴۲ در کدام گزینه املای همهٔ کلمات، ترکیبات و گروه‌ها صحیح است؟

- ۱) تحریر و کتابت - بی‌حدّ و کران - وحشی - مقلوب و مقهور
- ۲) منصوب به کاوه - بغض و اندوه - درشت و ستبر - لطف
- ۳) سر منزل غایی - افسرده - غرق حیرت - زی‌حیات
- ۴) صفحهٔ ضمیر - قدم می‌گذاری - اتاق درس - صورت ظاهر

۴۴۳ چند موردِ ناصحیح، در میان موارد زیر می‌یابید؟

الف) صفوت: برگزیده از افراد بشر

ب) کاینات: همهٔ موجودات جهان

پ) مفخر: مایهٔ ناز و بزرگی

ت) وجه: ذات

ث) بدحالان: کسانی که سیر و سلوک آن‌ها به سوی حق، کُند است.

ج) جسمانی: منسوب به جسم، روحانی

چ) جرّاره: ویژگی نوعی مار بسیار سمّی

۱) دو (۲) سه (۳) چهار (۴) یک



تیپ A:

متن املائی غیر شمارشی با جواب یک یا چند واژه؛ در این تیپ می‌توانید از E-method که در فصل «دو کلمه حرف حساب» توضیح داده‌ام بهره بگیرید.

۵۱۴ در متن زیر، املاى کدام واژه، غلط است؟

«مستأجر بستان و ضامن مستقلات را که دخل به مشروط وفا نکرده باشد در استیفای مضمون سخت نگیرد و به آخر معامله چیزی مسامحه کند و بار دیگر عملی از آن با منفعت‌تر ارزانی دارد تا منتفع گردد.»

(۱) استیفا (۲) مسامحه (۳) مضمون (۴) مستقلات

۵۱۵ با توجه به متن زیر، املاى کدام واژه‌ها همگی غلط است؟

«شگال گفت: من از مذلت این تهمت بیرون نیایم، تا ملک حیلتی نسازد که صحت حال و روشنی کار بدان بنشاند. با آنکه به براعت ساحت و کمال دیانت خویش سقطی تمام دارم و متیقّم که هر چند حزم بیشتر شود، مزیت و رجحان من در اخلاص و مناصحت بر همه حشم و خدم ظاهرتر گردد.»

(۱) مذلت، متیقّم (۲) براعت، سقط

(۳) حزم، مناصحت (۴) رجحان، ساحت

۵۱۶ در عبارت زیر املاى کدام واژه نادرست است؟

«سه تن آرزوی چیزی برند و نیابند: مفسدى که ثواب مصلحان چشم دارد و بخیلی که سنای اصحاب مروت توقع کند و جاهلی که از سر سفاهت و غضب و حرص برنخیزد و الحاح ورزد که با نیک مردان برابر بود.»

(۱) سفاهت (۲) الحاح (۳) ثواب (۴) سنا

۵۱۷ در متن زیر، املاى کدام کلمه نادرست است؟

«چون ملک این باب بشنود، شکر گزارد و گفت: خطا کردم که خواب بر ایشان عرضه کردم و اگر رحمت آسمانی و شفقت ایران دخت نبودی، عاقبت اشارت آن دژخیمان به هلاک من و عزیزان و اتباع کشیدی و هر که را سعادت ازلی یار باشد، مناصحت مخلصان و موعظت مشفقان را عزیز دارد و در کارها پیش از تعمل و تدبیر اقدام نکند و موضع حزم و احتیاط را ضایع نگذارد.»

(۱) اتباع (۲) تعمل (۳) ازلی (۴) حزم

در متن زیر، املای کدام واژه نادرست است؟

۵۱۸

«درویشی و فقر، اصل بلاها و زایل‌کنندهٔ زور و حمیت و مجمع شرّ و آفت است. عبارتی که توانگری را مدح است، درویشی را مذمت است. درویش اگر سخاوت ورزد به افراط و زیاده‌روی منسوب شود و اگر در اظهارِ حلم کوشد، آن را ضعف شمرند و اگر فساحت نماید، بسیار گوی باشد.»

(۱) منسوب (۲) فساحت (۳) حمیت (۴) مذمت

در متن «بساط نور جمال، حور را شاید، نه نگار روز را، ملاحی با حازم چگونه متابعت نماید چون خورشید عالم‌آرای، سر از مطلع خویش بر آرد چراغ درویشان بی‌ضیا ماند، جان آدم، گم‌شدهٔ خود را در نور صبح کاذب نطلبد که از ضیای او شب یلدا سوزن را در میان خاک بتوان یافت.» املای کدام واژه غلط است؟

۵۱۹

(۱) متابعت (۲) حازم (۳) ضیا (۴) ملاحی

در متن زیر، املای کدام کلمه درست نیست؟

۵۲۰

«ملک فرمود: مانع خشم و حایل سیاست آن بود که صدق اخلاص و مناصحت تو می‌شناختم و می‌دانستم که بر تو در این محاوره، غرامتی نیست، چه می‌خواستی که قرار عظیمت ما در تقدیم و تأخیر آن غرض بشناسی و قدم در کار نهی. بدین حزم، خرد و دهای تو آزموده‌تر گشت و اعتماد بر نیک بندگی و طاعت تو بیفزود.»

(۱) حزم (۲) حایل (۳) عظیمت (۴) غرامت

در متن «هر که را سعادت ازلی یار باشد، مناصحت مخلصان و موعظت مشفقان را عزیز دارد و در کارها پیش از تأمل و تدبّر آغاز نکند و موضع حزم و احتیاط را ضایع نگذارد و اگر کسی را بخت مؤنّت نماید و ملازمت این سیرت دست دهد بر آن تحمید و صلت چشم نتوان داشت.» املای کدام واژگان غلط است؟

۵۲۱

(۱) نگذارد، موضع (۲) مؤنّت، تأمل
(۳) مؤنّت، نگذارد (۴) تأمل، موعظت

در متن زیر، املای کدام واژه نادرست است؟

۵۲۲

«هر که خود در مقام حاجت فرو گذارد و در صیانت ذات خویش احتمال ننماید، دیگران را در وی امیدی نماند و سخن تو دلیل است بر قصور فهم و وفور جهل تو، تا گمان نبوی که این تضریب بر رای ملک پوشیده ماند که چون تأملی فرماید و تمییز ملکانه بر تزویر تو گمارد، رسوایی تو پیدا آید و نصیحت از معاندت جدا شود.»

(۱) تأمل (۲) تضریب (۳) احتمال (۴) صیانت

در متن زیر، املاي کدام واژه غلط است؟ **۵۲۳**

«مَلک را در عواقب این کار، نظری از فرایض است، که مَلک بی‌طبیع نتوان داشت و خدمتگاران کافی را به قصد جوانبِ باطل کردن از خللی خالی نماند و به هر وقت بندهای در معرض کفایت مهمّات نیفتد و مرشّح اعتماد نگردد.»

(۱) طبع (۲) مرشّح (۳) معرض (۴) عواقب

در متن «عیان شهر را حضور او موافق نمود و گفتند: شایستهٔ عمارت این خطّه اوست،

چه هر که در مقام توکل ثبات قدم ورزد و آن را به صدقِ نیت قرین گرداند، ثمرات آن در دین و دنیا هرچه نزه‌تر بیاید. گفت: در میان شما بسیار کس به عقل و کفایت بر من رجحان دارد؛ اما ملک به عنایتِ ازلی و مساعدتِ روزگار و به معونت و مظاهرت یاران

توان یافت.» املاي کدام واژه غلط است؟

(۱) معونت (۲) عمارت (۳) نزه‌تر (۴) مظاهرت

در متن: «آن را که برگزینیم، دست ایشان به گنجِ نعمت و حکمت رسد و در بحرِ دُرّ

ثمین و نعم ما غرق شود با لطف قرین و با رفقِ همنشین شود. آن را که خواهیم برداریم و آن را که خواهیم فرو گذاریم. ایشان بر مقتضی و موجب ریای نفس در دام کام گام نهد و وذر و وبال را حمل نماید، این مفلسان در عقب آن مخلصان می‌دوند، بل به فردوس

اعلیٰ مأوا گیرند.» املاي کدام واژه غلط است؟

(۱) مفلسان (۲) مأوا (۳) ثمین (۴) وذر

املاي کدام واژه در عبارت زیر غلط است؟ **۵۲۶**

«مہتران و بزرگان، قصد زیردستان و اتباع، در مذهب سیادت محذور شناسند و تا خصم، بزرگوار قدر، و کریم نباشد اظهار قوت و شوکت روا ندارند.»

(۱) خصم (۲) سیادت (۳) اتباع (۴) محذور

در متن: «از این اندیشهٔ ناصواب در گذر و همت بر اکتسابِ ثوابِ مقصور گردان، چنان‌که

غرض کنشاورز در پراکندن تخم، دانه باشد که قوتِ اوست اما گاه که علفِ سطوران است، به تبع آن هم حاصل آید. زینهار تا در ساختنِ توشهٔ آخرت تقصیر نکنی.» املاي

کدام کلمه نادرست است؟

(۱) تبع (۲) ثواب (۳) ناصواب (۴) سطور

در متن زیر، کدام واژه از نظر املايي نادرست است؟ **۵۲۸**

«مرد با خود گفت: اگر اهمالی ورزم، از فواید حزم و منافع عقل و کیاست بی‌بهره گردم. عزیمت بر این مکر و قدر قرار داد. ملک بفرمود تا او را گرد شهر بگردانند و برکشند. این است مثل پادشاهان و شناخت حال اتباع و احتراز از آنچه بر بدیهه اعتمادی فرمایند.»

(۱) اتباع (۲) اهمال (۳) حزم (۴) قدر



دوازدهم
فصل

پانچ‌های تشریحی

- ۳۸ ۳ برحسب: مطابق، طبق / مستغرق: مجذوب، شیفته / مستمع: شنونده، گوش‌دارنده / تاب: فروغ، پرتو
- ۳۹ ۳ ایدون که: این‌چنین که (ایدون: این‌چنین) / تریاق: ضدّ زهر، پادزهر / دمساز: مونس، هم‌راز، دردآشنا / مستور: پوشیده، پنهان (مسطور: نوشته‌شده، سطرشده)
- ۴۰ ۳ دستور: وزیر، اجازه
- ۴۱ ۴ تریاق: پادزهر، ضدزهر / دستور: اجازه، وزیر / بی‌روزی: بی‌نوا، درویش
- ۴۲ ۴ پخته در بیت صورت سؤال و گزینۀ (۴) به معنی کسی است که به مرحله‌ای والا رسیده و معارفی کسب کرده و عاشق و والامقام است.
- ۴۳ ۳ «دستور» در واژه‌نامه کتاب به معنی «اجازه، وزیر» آمده است و البته معانی دیگری مثل راهنما و امر هم می‌دهد. در این بیت به معنی «اجازه» است، یعنی هیچ چشم ظاهربینی اجازه دیدن جنبۀ روحانی وجود را ندارد.
- ۴۴ ۳ لغات «مستور، نفیر و تریاق» نادرست معنا شده‌اند و معنای صحیح آن‌ها به ترتیب «پوشیده، ناله و زاری با صدای بلند و پادزهر» است.
- ۴۵ ۱ اشکالات در سایر گزینه‌ها: گزینۀ (۲): شرحه شرحه از فراق (دوری) / گزینۀ (۳): شیون و سور (شادی) / گزینۀ (۴): مستور و پوشیده
- ۴۶ ۴ نفیر: فریاد و زاری به صدای بلند
- ۴۷ ۴ دقت کنید ایدونک «یعنی ایدون که، این‌چنین که»، نه «این‌چنین».
- ۴۸ ۱ سامان: درخور، میسر، امکان / قوت: خوراک، رمق، نیرو / مُحب: دوستدار، یار، عاشق / سودا: خیال، دیوانگی
- * دقت کنید در صورت سؤال معنی غلط همهٔ واژه‌ها خواسته شده است!
- ۴۹ ۲ جمال: زیبایی، زیبایی ازلی خداوند («زیبا» صفت است، ولی «زیبایی» اسم است).
- ۵۱ ۳ «فرض راه- ابتهاج- از بهر این معنی» صحیح است.
- ۵۲ ۲ جسمانی: منسوب به جسم، مقابل روحانی / حُسن: نیکویی، زیبایی (نه زیبا!) / شیدایی: دیوانگی / حریم: پیرامون، گراگرد، مکانی که حمایت و دفاع از آن واجب باشد.
- ۵۳ ۴ چریغ: تلفظ محلی چراغ نزد مردم سیرجان / صباح: بامداد، سپیده‌دم، پگاه / بازبسته: وابسته، پیوسته، مرتبط / فرخنده‌پی: خوش‌قدم، نیک‌پی، خوش‌یمن
- ۵۴ ۲ استبعاد: دور دانستن / مستعجل: شتابنده (آجل: آینده) / مغان: موبدان زرتشتی (نه موبد زرتشتی) / فرسخ: واحد مسافت تقریباً معادل ۶ کیلومتر
- ۵۵ ۱ اشکالات سایر موارد: مار غاشیه: ماری بسیار خطرناک در دوزخ (نه برزخ!) / طبق: سینی گرد بزرگ و معمولاً چوبی
- ۵۶ ۲ «نواحی عالم» صحیح است. نواحی جمع ناحیه است.